



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال دهم / شماره سی‌ونهم / پاییز ۱۴۰۰

بررسی رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و شاخص‌های سودآوری سرمایه‌گذاری در بانکهای تجاری ایران*

محمد ابراهیم محمدپور زرنندی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده مدیریت

مهرزاد مینوئی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده مدیریت، (نویسنده مسئول)

حمید طبائی زاده فشارکی

دانش‌آموخته رشته حسابداری مقطع دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات و عضو هیات علمی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۰

چکیده

این مقاله رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و شاخص‌های سودآوری سرمایه‌گذاری در بانکهای تجاری ایران را بررسی میکند. شاخص‌های بکارگرفته شده در این بررسی بخشی از شاخص‌های سلامت مالی پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. پرسشی که در این تحقیق طرح می‌شود این است که آیا در ایران رویه‌های حاکمیت شرکتی در حال بهبود هستند؟ به ویژه این که آیا با استفاده از رویه‌های حاکمیت شرکتی می‌توان شاخص‌های سودآوری سرمایه‌گذاری در بانکهای تجاری ایران را ارتقاء بخشید. تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و طرح آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی است. جامعه آماری تحقیق کل بانکهای تجاری ایران و متغیرهای تحقیق از گزارشات هیأت مدیره و صورتهای بانکهای مزبور از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ استخراج شده است. نتایج بررسی‌های انجام شده در این تحقیق در ارتباط با دو شاخص بازدهی داراییها و بازدهی سرمایه حکایت از آن داشت که در سطح کل بانکهای تجاری ایران بازدهی داراییها دارای ارتباط معنی دار با نفوذ مدیر عامل، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیأت مدیره می‌باشد و بازدهی سرمایه ارتباط معنی دار با تعداد مدیران مؤسسه حسابرسی، نفوذ مدیر عامل، تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، بانک‌های تجاری، شاخص‌های سودآوری، صندوق بین‌المللی پول.

* این مقاله از رساله دکتری تخصصی رشته حسابداری واحد علوم تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی استخراج شده است.

۱- مقدمه

این مقاله رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و شاخص‌های سودآوری سرمایه‌گذاری را در کل بانکهای تجاری ایران طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ بررسی می‌کند. با توجه به جدایی مالکیت و مدیریت در شرکتهای بزرگ، مشکل تطبیق منافع سهامداران جزء با مدیریت وجود دارد و منجر به مشکل نمایندگی می‌شود (جن سن و میکلینگ، ۱۹۷۶).

به منظور کاهش مشکلات نمایندگی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله استقلال هیات مدیره، مالکیت نهادی، کیفیت حسابرسی و..... پیشنهاد شده است. اگرچه مطالعات بسیاری در مورد حاکمیت شرکتی انجام شده است، اما فقط تعداد کمی از مطالعات تجربی بر حاکمیت شرکتی در بانکها تمرکز نموده‌اند.

با گسترش سرمایه‌گذاری بین‌المللی بین‌المللی نهادهای مختلف همچون بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و صندوق بین‌المللی پول در زمینه حاکمیت شرکتی فعال شده و اصول متنوع و متعددی را در این باره منتشر نموده‌اند. سیستم حاکمیت موجود در یک کشور با عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکتها، وضعیت اقتصادی، سیستم نظارتی و قانونی، سیاستهای دولتی و فرهنگ سازمانی مشخص می‌شود. همچنین عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصادی جهانی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها بر سیستم حاکمیت شرکتی موجود تاثیر گذار است.

ابزارهای حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا در شرکتهای باعث کاهش هزینه سرمایه، افزایش نقد شوندگی و امکانات مالی بالقوه، تسهیل توانایی غلبه بر بحران و جلوگیری از طرد شدن شرکتهای با مدیریت مناسب در بازارهای سرمایه می‌شود. رویه‌های حاکمیت شرکتی مناسب در مورد کشورها موجب پیشگیری از خروج وجوه داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش قدرت رقابتی اقتصاد و بازارهای سرمایه، غلبه بر بحران، تخصیص کارآمد منابع و دستیابی به سطوح بالاتری از پیشرفت و ترقی می‌شود. (موسوی و جابری، ۳۸۹، ص ۷۴) وضعیت بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکتها و تفکیک اندک مالکیت از مدیریت و غلبه اقتصاد دولتی در ایران باعث شده تا پاسخگویی و رعایت اصول حاکمیت شرکتی نزد بسیاری از مدیران واحد‌های اقتصادی ضرورتی نداشته و از الویت لازم برخوردار نباشد. تا زمانی که چنین فرهنگی تعدیل و حاکمیت شرکتی توسط دولت بعنوان دینفع اصلی از این موضوع مهم پذیرفته و اجرا نشود عملاً در شرکتهای ما نیز توجه به این اصل کم رنگ تر خواهد بود. در حال حاضر در بانکها، بیمه‌ها و صنایع نفتی که بیشتر مالکیت در اختیار دولت است، حاکمیت شرکتی بطور کامل به اجرا در نیامده است. در ساختار کنونی بدلیل فقدان شفافیت در گزارشگری و فرمایشی بودن نظارتها و کنترلها، همواره ریسکهای مختلف، وضعیت مالی شرکتها را تهدید می‌کند.

رعایت اصول حاکمیت شرکتی در وهله اول بوسیله تدوین قوانین قدرتمند، منطقی و پایدار، بازارهای مالی مناسب و شفاف و عزم هیات مدیره در اجرای آن وابسته خواهد بود. اصولاً سوابق گذشته بیانگر این است که بروز شکست‌های مالی و کشف تقلب‌های بزرگ در کشورهای مختلف باعث تدوین و تنظیم قوانین و مقررات سخت گیرانه بر علیه شرکتها شده و افزایش قانون گذاری موجبات پیدایش مراجع نظارتی و تدوین و تنظیم استانداردهای جدید حسابداری و حسابرسی شده است.

سازمان بورس اوراق بهادار در سالهای اخیر آیین نامه اصول حاکمیت شرکتی را تدوین و منتشر نموده ولی این آیین نامه بصورت فراگیر و الزامی اجرایی نشده و پیاده سازی آن با مشکلاتی مواجه می باشد. در بسیاری از کشورها از دهه ۱۹۹۰، رتبه بندی شرکتها از نظر حاکمیت شرکتی آغاز شده است. طی همین دهه و پس از بحرانهای مالی چند کشور آسیایی، قوانینی برای بهبود راهبری شرکتی وضع شده است پرسشی که در این تحقیق طرح می شود این است که آیا در ایران رویه های حاکمیت شرکتی در حال بهبود هستند؟ به ویژه این که آیا با استفاده از رویه های حاکمیت شرکتی می توان شاخص های سود آوری سرمایه گذاری در بانکهای تجاری ایران را که از شاخص های پیشنهاد شده توسط صندوق بین الملل پول نیز می باشند ارتقاء بخشید. با توجه به آثار عمده و قابل توجه خصوصی سازی و اصل ۴۴ قانون اساسی بویژه در ارتباط با خصوصی سازی بانکها و تبدیل مؤسسات مالی و اعتباری به بانک و اینکه امروزه تعداد زیادی بانک خصوصی در بازارهای اولیه و ثانویه سرمایه فعالیت دارند، تأثیر اعمال حاکمیت شرکتی بر دو شاخص بازدهی داراییها و بازدهی سرمایه از بین شاخص های سلامت مالی صندوق بین المللی پول در بانکهای تجاری ایرانی قابل بررسی است بدین منظور با انتخاب چند عامل از عوامل سنجش مطلوبیت رویه های حاکمیت شرکتی از جمله استقلال هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، کیفیت حسابرسی مستقل، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی با توجه به اهمیت شفاف سازی مالی، الزامات سازمان بورس و اعتماد سازی برای سهامداران بویژه سهامداران جزء، رابطه آنها با بازده داراییها و بازده سرمایه بانکهای تجاری ایران بررسی شده است.

ادبیات موضوع پژوهش

حاکمیت شرکتی یک ساز و کار کنترلی مهم است که این اطمینان را می دهد تا مدیران در راستای منافع سهام داران عمل کنند. شرکت ها می توانند با استفاده از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی منافع مدیران و مالکان را هماهنگ کنند. فقدان شفافیت و افشا اغلب به عنوان یکی از علت های عمده رسوایی های اخیر و شکست حاکمیت شرکت ها تلقی شده و همچنین تأثیر نامطلوبی بر اعتماد عمومی در مورد قابلیت اعتماد شرکت ها و گزارشهای مالی می گذارد. به نظر بوشمن و اسمیت (۲۰۰۳) ساختار حاکمیت شرکتی موارد زیر را میسر می سازد:

- (۱) اطمینان از دریافت اطلاعات قابل اعتماد در مورد ارزش شرکت توسط سهامداران اقلیت و عدم ارائه اطلاعات نادرست درباره ارزش سرمایه گذاری سهام داران مزبور توسط مدیریت شرکت و سهامداران عمده آن
- (۲) ایجاد انگیزه در مدیران برای به حداکثر رساندن ارزش به جای در نظر گرفتن اهداف شخصی حاکمیت شرکتی با قراردادن شرکت در محوطه ای شیشه ای و شفاف، شرایطی را فراهم می نماید که تمامی ذینفعان بتوانند از طریق ساز و کارهای حاکمیت شرکتی شامل کیفیت اطلاعات مالی، ساختار مالکیت، ساختار هیات مدیره و غیره شرکت را به صورت شفاف مورد مشاهده قرار دهند (حساس یگانه و خیرالهی، ۱۳۸۷: ۷۵)

با توجه به ارتباط موضوع این پژوهش با بانکهای تجاری ایران، تعریف بانک جهانی از حاکمیت شرکتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

"مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. حاکمیت شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می‌آورد که از طریق آن، اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و همچنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می‌گردد" (بدری، ۱۳۸۷)

بیشترین مطالبی که درباره حاکمیت شرکتی بانکها مطرح شده است، مباحث مربوط به وظایف هیات مدیره، کمیته‌های مدیریت و ارائه گزارش مالی به ذینفعان است که مسؤلیت نهایی آن نیز به عهده هیات مدیره و مدیریت ارشد بانکها است. بدین ترتیب اعضای هیات مدیره و مدیران ارشد بیشترین نقش را در اداره بانک‌ها دارا هستند. اما دامنه حاکمیت شرکتی باید فراتر باشد و تدابیری اتخاذ شود که تمامی کارکنان در عملکرد صحیح بانک خود نقش داشته و اصول حاکمیت شرکتی را به منظور انجام مسؤلیت‌های تعیین شده به اجرا در آورند (عطا الهی و راستی، ۱۳۹۲)

ویژگیهای حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی ویژگی‌های متعددی از قبیل اندازه هیات مدیره، نسبت حضور مدیران غیر موظف در هیات مدیره، دوگانگی نقش مدیر عامل، حضور اعضای خانوادگی در هیات مدیره، وجود کمیته حسابرسی در هیات مدیره و غیره دارد. در ادامه برخی از ویژگی‌های فوق به اجمال مطرح می‌شود.

الف) اندازه هیات مدیره. یکی از عوامل مهم و موثر بر اثربخشی هیات مدیره اندازه آن است. هیات مدیره بزرگتر می‌تواند تضاد نمایندگی را در میان انواع مختلف سهام داران کاهش دهد. همچنین در یک هیات مدیره بزرگ کنترل کردن اقدامات مدیرعامل راحت‌تر است. توانایی مدیران برای کنترل و ترویج فعالیت‌های مولد ارزش، به احتمال زیاد با افزایش هیات مدیره افزایش می‌یابد. با حضور مدیران بیشتر تجربه و تخصص هیات مدیره افزایش یافته و در نتیجه نیاز به افشای اطلاعات بیشتری خواهد شد. این بدان معناست که شرکت‌هایی که دارای اندازه هیات مدیره کوچکتر هستند، بخش نسبتاً اندکی از اطلاعات را در صورت‌های مالی افشا می‌کنند. بنابر این انتظار می‌رود که بین اندازه هیات مدیره و افشای حاکمیت شرکتی ارتباط وجود داشته باشد (حساس یگانه و خیرالهی، ۱۳۸۷: ۷۶). از طرفی، به دلیل بروز مشکلات ارتباطی و هماهنگی مرتبط با گروه‌های بزرگتر، افزایش اندازه هیات مدیره ممکن است تاثیر منفی بر اثربخشی هیات مدیره داشته باشد. علاوه بر این، مشارکت کمتر افراد در بین گروه‌های تصمیم‌گیری بزرگ، ممکن است به انگیزه و رضایت کمتر آن‌ها منجر شود.

ب) مدیران موظف: در ادبیات حاکمیت شرکتی به دو دسته از مدیران اشاره شده است: مدیران موظف و مدیران غیر موظف. در حالی که مدیران موظف دانش و تخصص در مورد فعالیت‌های شرکت دارند، مدیران غیر موظف نه تنها در تصمیم‌گیری‌های راهبردی شرکت مشاوره می‌دهند بلکه بر عملکرد مدیران موظف نیز نظارت می‌کنند. تصمیم‌گیری‌های راهبردی شرکت مشاوره می‌دهند بلکه بر عملکرد مدیران موظف نیز

نظارت می کنند. جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) معتقدند که مدیران غیر موظف با انجام کنترل و نظارت بر هیات مدیره، قادرند اثربخشی هیات مدیره را افزایش، مشکل نمایندگی را کاهش و مانع از رفتار فرصت طلبانه مدیران شوند و در نهایت ارزش شرکت را افزایش دهند. انتظار می رود حضور مدیران غیر اجرایی در هیات مدیره باعث بهبود نظارت بر هیات مدیره و جلوگیری از تصمیم گیری های ناکارآمد مدیریت شود (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۵: ۶). از نقطه نظر هماهنگی، مدیران خارجی به عنوان داورانی تلقی می شوند که هدف اصلی آنها ایجاد اطمینان از همسو بودن اقدامات مدیران در راستای منافع سهامداران است.

ج) دوگانگی نقش مدیر عامل: یکی دیگر از مسائل مورد بحث در چارچوب حاکمیت شرکتی این است که آیا رئیس هیات مدیره و مدیرعامل دو نفر باشند و یا یک شخص (ساختار رهبری واحد) باشد. بر اساس نظریه نمایندگی، ساختار رهبری واحد می تواند به طور قابل توجهی با مهمترین وظایف هیات مدیره از جمله نظارت، تأدیب و پرداخت پاداش به مدیران ارشد لطمه بزند. همچنین مدیرعامل را قادر می سازد به دلیل تسلط بیش از حد بر هیات مدیره در رفتارهای فرصت طلبانه مشارکت کند. دوگانگی نقش مدیرعامل موجب نادیده گرفتن اهمیت تفکیک تصمیمات کنترلی از تصمیمات مدیریتی می شود و در این صورت هیات مدیره دیگر به عنوان ابزاری اثربخش در اتخاذ تصمیمات کنترلی به حساب نمی آید، مگر اینکه اختیار تصمیم گیری مدیران ارشد را به حداقل ممکن محدود کند.

تمرکز قدرت اثربخشی نظارت هیات مدیره را کاهش می دهد و به نوبه خود می تواند منجر به عدم شفافیت و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شود (آلگرینی و گرکو، ۲۰۱۳: ۱۹۴). نظارت بر عملکرد هیات مدیره ای که در آن مدیرعامل، رئیس هیات مدیره نیز هست، در مقایسه با هیات مدیره ای که مدیرعامل و رئیس هیات مدیره افراد متفاوتی هستند، ضعیف تر است (جنسن، ۱۹۹۳). دوگانگی نقش مدیرعامل، توانایی هیات مدیره در کنترل مدیریت ارشد را کاهش می دهد.

د) مالکیت نهادی: جدایی مالکیت از کنترل در شرکت های جدید مشکلات جدی نمایندگی و چالش های حاکمیتی برای سهام داران ایجاد کرده است. (لین و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۹۴). این جدایی در نبود دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، شرایطی را برای مدیران فراهم می کند تا به جای تامین منابع سهام داران در راستای منافع خودشان عمل کنند. یک ساز و کار کنترلی خارجی مهم و مؤثر بر حاکمیت شرکتی در سراسر جهان ظهور مالکان نهادی است. مالکان نهادی به صورت بالقوه بر فعالیت های مدیریت تاثیر می گذارند. به عنوان مثال، از طریق مالکیت خود به طور مستقیم و از طریق معامله سهام به طور غیر مستقیم بر فعالیت های مدیریت تاثیر می گذارند. تاثیر غیر مستقیم مالکیت نهادی بسیار قوی است. مالکیت نهادی را می توان از دیدگاه حاکمیت شرکتی بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. شواهد تجربی نشان می دهد مالکان نهادی به دلیل داشتن منابع عظیم مالی، نفوذ قابل توجهی در بازار سرمایه و ارزش شرکت دارند. در نیمه قرن بیستم سرمایه گذاری نهادی به یکی از مؤلفه های مهم بازار سهام تبدیل شدند. به عنوان مثال در سال ۱۹۵۰ سرمایه گذاران نهادی ۶/۱ درصد از مجموع مالکیت بازارهای سهام امریکا را در اختیار داشتند و در سال ۲۰۰۲ بیش از ۵۰ درصد از مجموع مالکیت بازارهای سهام را در دست داشتند.

سلامت مالی در بانکها: سلامت مالی به مفهوم توان سودآوری و تداوم فعالیت واحد اقتصادی برای کلیه سهامداران و ذینفعان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و اساساً همه ذینفعان در واحدهای اقتصادی به دانش ابزارهای مناسبی که بتوانند سودآوری و تداوم فعالیت این واحدها را ارزیابی و پیش بینی کنند علاقمندند. بانکهایی که دارای شهرت و نیک نامی بوده، صاحبان آنها از مالکیت آنها رضایت کامل داشته و در بحرانهای مالی دارای ثبات بوده و دچار ازهم گسیختگی مالی نمی شوند و همچنین بانکهایی که دارای حداقل پرونده های سوء استفاده مالی در مراجع قضایی هستند را می توان بانکهای دارای سلامت مالی برشمرد.

شاخص های سلامت مالی در بخش بانکداری اطلاعات کمی مفید از ثبات یا نوسان پذیری سیستم بانکداری ارائه می نماید. این شاخص ها بر حسب (E) سودآوری، (M) سلامت مدیریت، (A) کیفیت دارایی، (C) کفایت سرمایه، (L) نقدینگی، (S) مخاطرات بازار، ارائه شده و معروف به مدل CAMELS هستند و هر یک از شش گروه این شاخص ها اجزای متفاوتی در ارزیابی ثبات دارد. شاخص های کفایت سرمایه (S) و حساسیت به مخاطرات بازار و (L) نقدینگی ظرفیت آن بخش برای جذب زیان را نشان می دهد. از آنجا که مخاطرات ناشی از توان پرداخت تعهدات موسسات مالی از کاهش ارزش دارایی ها نشات می گیرد، بخش دوم این شاخص ها به کیفیت دارایی اختصاص دارد. کیفیت تسهیلات و پرتفوی دارایی های بانکی مد نظر قرار می گیرد. شاخص های کارآمدی مدیریت برای سنجش اهمیت مدیریت صحیح به منظور اطمینان از صحت و سلامت بانک ها بکار می رود. برای سنجش شاخص سود آوری اطلاعات متعددی چون حاشیه سود، سود و هزینه ها بکار می رود، زیرا کسب سود بیانگر توانایی جذب زیان بدون برداشت (کاهش سرمایه) تلقی می شود. البته رشد سریع سود آوری می تواند بیانگر وجود مخاطرات بیش از حد نیز باشد. اندازه گیری نقدینگی بیانگر توانایی استقامت سیستم بانکی در برابر شوکهای جریانهای نقدی است. معیارهای نقدینگی بیانگر دارایی های نقد بانک در شرایط وقوع زیان تامین مالی بازار یا خرو سپرده های بانکی است (سیهاک و هسه ۲۰۱۰).

این شاخص ها همچنین بر نقدینگی اوراق بهادار عمده در اختیار بانک نظارت می کنند. بانکها به دلیل عملیات متنوع و صنعت ابزارهای مالی خود در معرض مخاطرات بازار قرار دارند. حساسیت به مخاطرات بازار (تغییر در قیمت های بازار، به خصوص نرخ بهره و نرخ ارز و گاهی اوقات قیمت سهام با استفاده از اطلاعات مربوط به موقعیت های باز، تورش ها، و آزمون های تنش سنجیده می شود).

حاکمیت شرکتی و شاخص های سود آوری: بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، نگاه ها برای نخستین بار معطوف به حاکمیت شرکتی در بانکها شد. به طوری که بانک ها و مؤسسات مالی سراسر جهان - یکی پس از دیگری- به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانکها تاکید کردند. در این راستا کمیته نظارتی بانکی بال اولین نسخه دستورالعمل «ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی» را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ و همچنین نسخه اصلاح شده این دستورالعمل در سال ۲۰۰۶ شد. هیات خدمات مالی اسلامی نیز در سال ۲۰۰۶ اقدام به تدوین اصول حاکمیت شرکتی خاص مؤسسات مالی اولین سازمانی بود که در این راستا گام برداشت و گروه راهبری OECD اسلامی نمود. بعد از شروع بحران مالی جهان در تابستان ۲۰۰ سازمان

حاکمیت شرکتی را تشکیل داد تا موضوع حاکمیت شرکتی در بانکها را با تاکید بر چهار حوزه جبرا خدمات، مدیریت ریسک، نقش و وظایف هیات مدیره در رعایت حقوق سهامداران مورد بررسی قرار دهد (کرد لویی و همکاران، ۱۳۹۱)

بحران مالی سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را در بر گرفت، به عقیده بسیاری از تحلیل گران، متاثر از ضعف حاکمیت شرکتی به عنوان یک عامل اصلی در میان شرکت ها و مؤسسات پولی و مالی بود. در آن بحران، ریسک سیستماتیک و مخاطرات زمانی تشدید شد و باعث شد بانک ها تحت تاثیر تحولات سیاسی قرار گرفته و ضعف مشهود در مدیریت، عدم پاسخگویی و مسؤلیت پذیری هیات مدیره و مدیریت ارشد، سبب شد این نهادهای پولی بر گسترش بحران بیفزایند، در نتیجه هزینه های حاکمیت شرکتی غلط موجب افزایش بحران مالی شد.

پیشینه پژوهش

الف- تحقیقات انجام شده در داخل کشور

حساس یگانه و روح الله صدیقی (۱۳۸۷)، با اشاره به مطالعات خارجی در زمینه حاکمیت شرکتی نشان دادند که ساختار مالکیت بانکها و نقش بنیادی آنها در اقتصاد ملی، یک تغییر حیاتی در فرآیند توسعه مالی و رشد اقتصادی است. همچنین این مطالعات نشان داده است که حضور بانکهای خارجی به کاهش احتمال بحران در بانکداری منتهی می شود. نویسندگان مقاله معتقدند که ماهیت ویژه مؤسسات بانکداری، در جایی که قوانین فعالیت های بانکداری ملزم به حمایت از سپرده گذاران می باشد، مستلزم اتخاذ یک دیدگاه وسیع نسبت به حاکمیت شرکتی است.

حساس یگانه و تاجیک (۱۳۸۷) نقش هیأت مدیره در تأمین منابع برای شرکت و نقش آن در اتخاذ تصمیم های راهبردی در قالب تئوریهای وابستگی به منابع یا تئوری نهادی و تئوری انتخاب راهبردی را بررسی کردند. وکیلی فرد و گودرزی اهمیت حاکمیت شرکتی در بانکها و مؤسسات اعتباری را مورد تأکید قرار داده و چهار مدل حاکمیت شرکتی شامل: مدل مالی، مدل مباشرتی، مدل ذینفع و مدل سیاسی. را برشمردند همچنین در این مقاله افشا و شفافیت در حاکمیت شرکتی مهمترین بخش حاکمیت شرکتی به شمار آمده است. مکرمی (۱۳۸۵) با بیان ساختار نوین حاکمیت شرکتی و ارزش آفرینی برای همه ذینفعان به عنوان شرط اصلی در کارکرد بنگاه، مسئولیت ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی و خروج مدیران از مقررات تعیین شده را متوجه سهامداران نهادی می داند.

مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت سود و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و تعداد اعضاء غیرموظف هیأت مدیره رابطه وجود ندارد. اما رابطه ای غیرخطی بین اقلام تعهدی و درصد مالکیت اعضاء هیأت مدیره مشاهده شد.

ب- تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

هو و ونگ (۲۰۰۱) پی بردند که شرکتهای بزرگی که دارای کمیته حسابرسی هستند، اطلاعات بیشتری را به صورت اختیاری افشا می کنند.

پیوتروسکی و اسمیت (۲۰۰۳)، چارچوبی برای مفهومی کردن و اندازه گیری شفافیت شرکتهای تدوین کرده اند که طبق آن شفافیت شرکتهای دارای سه عنصر اصلی می باشد که عبارتند از: گزارشگری مالی، انتشار اطلاعات از طریق رسانه ها و اینترنت و کسب اطلاعات محرمانه و ارسال آن از طریق تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران نهادی و افراد داخل شرکت.

جانسون و همکاران (۱۹۹۶) نقش هدایتی و نظارتی هیأت مدیره را تحت عنوان "نقش کنترلی هیأت مدیره" تفسیر نموده اند. در مقابل نقش کنترلی مذکور، نقش دیگری که در ادبیات حاکمیت شرکتی برای هیأت مدیره مطرح شده، نقش تأمین منابع اساسی برای شرکت (از طریق روابط اعضای هیأت مدیره با محیط بیرونی شرکت) می باشد

اراس و کروثر (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و پایداری پرداختند. در کلی ترین تعریف برای پایداری به اثر یک اقدام فعلی بر گزینه های موجود در آینده اشاره می شود. اگر منابع در زمان فعلی استفاده شوند و این منابع برای استفاده در آینده بیش از این در دسترس نباشند، این نگرانی وجود دارد که آیا مقدار این منابع محدود هستند یا خیر. اراس و کروثر در پی چهار جزء پایداری در چارچوب حاکمیت شرکتی بودند.

آلن و کوالفسکی (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که ساز و کار نظارتی اتحادیه اروپا بر معاملات بین المللی بانک ها در میان این کشورها و در میان شرکت های عضو گروه بانکها نمی تواند مخاطرات ایجاد شده در آن کشورها را شناسایی نماید و در نتیجه اثر مهمی در ایجاد بحران مالی جهانی دارد. به بیان دیگر ناظران در هر کشور لازم است اقدامات پیشگراانه به منظور صحت سلامت مالی بانکهای خود را به اجرا بگذارند و مانع انجام مبادلات بین گروهی شوند که امنیت واحدهای تجاری فرعی خارجی را به خطر می اندازند.

آلن و دیگران (۲۰۱۴) نقش حاکمیت شرکتی در ناکامی بانک ها در طی دوره بحران مالی را بررسی کردند. در این مطالعه تاثیر ساختار مالکیت و مدیریت بانک، بر روی احتمال ناکامی بانک های تجاری آمریکا بررسی شد و نتایج نشان داد که ساختار مالکیت بانک عامل تاثیر گذاری بر روی ناکامی بانک است. میزان سهام دار بودن مدیران سطح پایین تر نظر نائب رئیس (هیأت مدیره) ریسک ناکامی را به میزان قابل ملاحظه ای افزایش می دهد. در مقابل، سهام دار بودن مدیران اجرایی و اعضای غیر موظف تاثیری بر احتمال ناکامی بانک نمی گذارد.

در مطالعه پنی و واهاما (۲۰۱۱) اثرات حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک های امریکایی در طی بحران مالی سال ۲۰۰۸ را بررسی کردند.

در مطالعه لین و کنیشی (۲۰۱۴) تاثیر مالکیت بانک و سازو کارهای حاکمیتی آن بر سرمایه بانک را بررسی کرده اند.

آنها با استفاده از اطلاعات بانک های تجاری ژاپنی در دوره بکارگیری دستورالعمل بال ۲ (۲۰۰۷-۲۰۱۲) تاثیر ساختار مالکیت و مدیریت بانک بر سطح سرمایه بانک را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که مالکیت نهادی و مالکیت برون مرزی منجر به سطح بالاتری از سرمایه به منظور پذیرش ریسک خواهد شد. همچنین اندازه هیات مدیره ، اعضای هیات مدیره مستقل و غیر موظف بر سطح سرمایه اثر گذارند و این موضوع بیانگر محافظه کاری این قبیل اعضای هیات مدیره در حفظ سطوح بالاتر سرمایه به منظور آمادگی در مقابل زیانهای غیر منتظره است.

تریپ (۲۰۱۰) سلامت مالی بانک های کشور نیوزلند در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ را با استفاده از مدل های تحلیل پوششی داده ها بررسی نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که از میان مدل های سنجش کارایی برحسب سودآوری بانک ها مدل مازاد مینا ، مناسب ترین مدل تحلیل پوششی می باشد.

کیان وینگ (۲۰۱۴) با بررسی کارآمدی بانک ها نشان دادند که در بانکهای دولتی ناکارآمد (چین) سهام داران شرکتی قادرند تا به تسهیلات بانکی از طرق متعدد دستیابی پیدا کنند و این موضوع توانایی نظم بخشی بر بازار سرمایه را تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد. این یافته ها حکایت از آن دارند که از طریق راه های دسترسی به تسهیلات (موسوم به تونل زنی) تامین مالی بانکی موجب تاثیر بر عملکرد شرکت ها می شود. این یافته ها ... افزایش کارایی بانکی را یادآور می سازند.

سیه و همکاران (۲۰۱۳) تاثیر تنوع سازی فعالیت های بانک آسیایی در طی سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ را بر ثبات آن ها بررسی کردند. معیار تنوع سازی در این بانک ها بر حسب دارایی ها و سودآوری بوده است. شواهد نشان دهنده عدم تنوع سازی کافی دارایی ها در بانک های آسیایی است. شواهد بیشتر نشان می دهند که هرچه سطح حاکمیت شرکتی در کشورهای آسیایی افزایش می یابد ، مشکلات نمایندگی کاهش می یابد و با افزایش تنوع سازی ، ثبات بانکی بیشتر می شود.

روش پژوهش

از نظر فرآیند اجرا ، این پژوهش از نوع پژوهش های ترکیبی است زیرا ماهیت و گستردگی آن به گونه ای است که نمی توان تنها از یکی از شیوه های کمی یا کیفی استفاده نمود. از نظر منطق اجرا، پژوهش پیشنهادی از نوع پژوهش های استقرایی است که براساس یافته های حاصل از مشاهدات و تجارب قبلی، اقدام به ارائه الگو و فرضیه می نماید. از نظر زمان انجام، پژوهش پیشنهادی از نوع پژوهشهای گذشته نگر می باشد. در این نوع پژوهش، مطالعه براساس مشاهده یک معلول در زمان حال آغاز و گذشته برای شناسایی روابط و علت های احتمالی، مورد بررسی قرار می گیرد. (عبدالحلیق و آجین کیا ، ۱۳۸۹: ۳۹)

روش مورد استفاده در تحقیق روش میدانی است. پژوهش های کیفی که به منظور شرح و کشف پدیده ها در محیط طبیعی آنها صورت می پذیرد اغلب پژوهش میدانی نامیده می شود. مطالعات میدانی تاحد زیادی با واقعیت منطبق است زیرا در موقعیت طبیعی و بدون دستکاری و کنترل پژوهشگر انجام می پذیرد. به لحاظ

طبیعت قابل انعطاف و گسترده این نوع پژوهش‌ها، به راحتی می‌توان پدیده‌های اجتماعی را از این طریق مورد مطالعه دقیق قرار داد. (پولیت و هنگلر ۱۴۹-۱۴۸).

جامعه آماری این تحقیق بانکهای تجاری ایران می‌باشد. با توجه به اینکه تعداد این بانکها در ایران زیاد نمی‌باشد. بنابراین کل جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است. این بانکها عبارتند از: بانکهای تجاری دولتی (بانک سپه، پست بانک، بانک ملی) و بانکهای تجاری غیر دولتی (بانک اقتصاد نوین - بانک پارسیان - بانک کارآفرین - بانک سامان - بانک پاسارگاد - بانک سرمایه - بانک سینا - بانک شهر - بانک دی - بانک انصار - بانک تجارت - بانک رفاه کارگران - بانک صادرات ایران - بانک ملت - بانک حکمت ایرانیان - بانک گردشگری - بانک ایران زمین - بانک قوامین - بانک خاورمیانه - بانک آینده - بانک مهر اقتصاد) در انجام این تحقیق، داده‌های اولیه، پس از استخراج از صورتهای مالی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ بانکهای فوق وارد نرم افزار اکسل شده تا با انجام برخی محاسبات اطلاعات مورد نیاز برای مطالعه بدست آید. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، میانه، انحراف معیار) و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق به همراه نتایج آن با توجه به خروجیهای بدست آمده از نرم افزار Eviews انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

خلاصه حاصل از آماره توصیفی این مطالعه در جدول شماره یک گزارش شده است. طبق این جدول به طور متوسط ۸۷ درصد منابع تامین مالی بانک‌های تجاری در طول دوره مطالعه از طریق بدهی انجام می‌شود. این مطلب با ساختار مالی بانک‌ها و موسسات مالی همخوانی دارد. میانه این نسبت ۹۲ درصد است و این موضوع را تایید می‌کند. روند زمانی این نسبت در بین بانک‌های منتخب نشان می‌دهد که بانک‌ها در هنگام تاسیس و در سالهای اولیه درصد کمتری از میزان تامین مالی خود را از طریق بدهی انجام می‌دهند، اما پس از آن این میزان افزایش می‌یابد و به میانگین رقم ذکر شده می‌رسد.

جدول ۱- آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	حداکثر	حداقل	چولگی	کشیدگی	میانگین‌های بانکهای دولتی	میانگین‌های بانکهای خصوصی
نسبت بدهی به دارایی	۰/۸۷	۰/۱۴	۰/۹۲	۰/۲۰	۰/۹۹	-۲/۸	۸/۵	۰/۹۴	۰/۸۵
تمرکز مالکیت	۰/۵۶	۰/۳۴	۰/۶۳	۰/۱۰۰	۰	-۰/۰۹	-۱/۴	۰/۱۰۰	۰/۴۴
مالکیت نهادی	۰/۴۷	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۱۰۰	۰/۰۵	۰/۳۵	-۱/۳۶	۰/۹۷	۰/۳۳
دوگانگی وظایف مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره	۰/۳۳	۰/۴۷	۰	۰	۱	۰/۶۹	-۱/۵۵	۱	۰/۳۶
تعداد اعضای هیئت مدیره	۵/۸۲	۱/۶۵	۵	۱۲	۳	۱/۹۳	۶/۱۱	۵/۳	۵/۹
قدمت حسابرسی	۲۳/۷	۹/۹۱	۳۰	۳۳	۷	-۰/۶۶	-۱/۴۱	۳۰/۵	۲۱/۸۷

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	حداکثر	حداقل	چولگی	کشیدگی	میانگین های بانکهای دولتی	میانگین های بانکهای خصوصی
تعداد مدیران مؤسسه حسابرسی	۳۲	۲۶/۷	۱۲	۶۰	۳	۰/۰۹	-۲/۰۲	۶۰	۲۴/۳
بازده دارایی ها	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۶۲	-۰/۰۰۳	۰/۹۶۳	۰/۵۳	۰/۰۰۴	۰/۰۲۱
بازده سرمایه	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۳۹	-۰/۱۱	-۰/۳۶	-۰/۷۵	۰/۰۲۹	۰/۱۹

میانگین مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره در این مطالعه ۲ سال و انحراف معیار آن یکسال است. این موضوع با قوانین و مقررات رایج در کشور متناسب است. هرچند در بانکهای مورد مطالعه مدت ۵ سال به عنوان بیشترین زمان تصدی این مسئولیت گزارش شده است. همانطور که در گذشته مطرح شد، انتظار می رود با افزایش مدت تصدی مدیرعامل و افزایش جایگاه قدرت به منافع سهامداران در اولویت بعدی مدیران ارشد شرکت قرار گیرد. بنابراین متغیر مزبور می تواند شاخصی برای سنجش روابط نظارتی و حاکمیتی باشد.

بررسی دیگر در این مطالعه نشان دهنده آن است که حسابرسی در حدود نیمی از بانک های مورد مطالعه توسط سازمان حسابرسی انجام شده است و حسابرسی مابقی بانک ها توسط سایر اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران انجام شده است. بررسی ها نشان می دهد که بانک ها به ندرت در طول دوره مطالعه گردش در موسسات حسابرسی را تجربه کرده اند و تقریباً بیشتر بانک ها (به غیر از دو بانک) در طول دوره مورد مطالعه حسابرسی خود را تغییر نداده اند. نکته دیگر در خصوص درجه موسسات حسابرسی این بانک ها نشان می دهد که تمامی آن ها توسط حسابرسان با درجه الف حسابرسی می شوند. این طبقه بندی بر حسب درآمد اعلام شده آن ها از پایگاه جامعه حسابداران رسمی ایران استخراج شده و موسساتی که درآمد آنها بیش از یک میلیارد تومان بوده به عنوان موسسات درجه الف طبقه بندی شده اند.

همچنین میانگین سنی (قدمت) موسسات حسابرسی ۲۳ سال و میانه آنها نیز ۳۰ سال بوه است. این موضوع هرچند تحت تاثیر سازمان حسابرسی به عنوان حسابرسی نیمی از این بانک هاست ، اما با فرض نادیده گرفتن این سازمان نیز میانگین قدمت سایر موسسات حسابرسی در حدود ۱۷ سال است و این مطلب نشان دهنده آن است که این موسسات خدمات مالی توسط حسابرسانی با سابقه بیش از ۱۵ سال حسابرسی می شوند ، چولگی و کشیدگی این متغیر اختلاف قابل ملاحظه ای را با توزیع نرمال نشان می دهد و هر دو عدد منفی هستند که نشان دهنده آن است که چولگی این متغیر به سمت چپ و کشیدگی آن پایین تر از میانگین توزیع نرمال است. امتیاز کنترل کیفیت موسسات حسابرسی کننده بانکهای موضوع مطالعه در ستون بعدی آماره توصیفی ملاحظه می شود. همانطور که ملاحظه می شود به غیر از سازمان حسابرسی سایر موسسات حسابرسی در این مطالعه درجه کیفی الف و ب را دارند و بیشتر این موسسات (یعنی به غیر از دو موسسه) دارای درجه کیفی الف هستند. مقایسه تعداد مدیران حسابرسی این موسسات حسابرسی نیز نشان دهنده آن است که بطور متوسط این موسسات دارای ۳۲ مدیر هستند و بیشترین تعداد ۶۰ نفر و کمترین تعداد ۳ نفر می باشند. چولگی این متغیر تقریباً نرمال بوده و ضریب آن مثبت است ، این در حالی است که ضریب کشیدگی آن منفی و غیر نرمال است.

این ویژگی‌ها مجموعه ویژگی‌های کیفیت حسابرسی در این مطالعه را نشان می‌دهد. این شواهد به طور نسبی حاکی از بالا بودن درجه کیفیت حسابرسی در این بانک‌ها است. بررسی همبستگی متغیرهای تحقیق اطلاعات بیشتری را در مورد ارتباط آنها با یکدیگر نشان می‌دهد. به این منظور از ضریب همبستگی پیرسن استفاده می‌شود. به دلیل وجود اطلاعات اضافی می‌توان با فرض نرمال بودن داده‌ها از این ضریب همبستگی استفاده نمود. جدول شماره ۲ خلاصه‌ای از نتایج همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. در این جدول هر یک از متغیرهای تحقیق به صورت زیر تعریف شده است:

جدول ۲- همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

debt	نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها	dual	دوگانگی وظیفه رییس هیأت مدیره و مدیر عامل
Noboard	تعداد اعضای هیأت مدیره	Ceoyear	مدت زمان تصدی مدیر عامل بانک
Auage	قدمت مؤسسه حسابرسی	Auqgrade	رتبه کنترل کیفی مؤسسات حسابرسی موضوع تحقیق
Aumanageno	تعداد مدیران مؤسسات حسابرسی موضوع تحقیق	Ceolim	درجه نفوذ مدیر عامل
Concen	نسبت تمرکز مالکیت	Roe	بازده سرمایه
Instit	مالکیت نهادی		
Roa	بازده دارایی‌ها		

roe	roa	
-۰/۳۸**	-۰/۶۳**	Concen
-۰/۵**	-۰/۶۶**	Instit
0/13*	-۰/۴۹**	debt
-۰/۲۶**	-۰/۴۲**	auage
-۰/۴۶**	-۰/۶۲**	aumanageno
۰/۳۹**	۰/۶۴**	auqgrade
-۰/۴۸**	-۰/۵۷**	dual
۰/۴۴**	۰/۴۳**	noboard
0/22*	0/16*	ceoyear
-۰/۴۳**	-۰/۳۲**	ceoim

**همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد

**همبستگی در سطح اطمینان ۹۰ درصد

ارقام مندرج در جدول ۲ حاکی از وجود ضریب همبستگی کمتر از ۰/۸ در بین متغیرهای توضیحی است؛ بنابراین احتمال وجود مشکل هم خطی بر اساس ماتریس همبستگی پیرسون، بسیار پائین است. مطالعات

پیشین حد مجاز در صد همبستگی بین متغیر های توضیحی را ۸۰ در صد پیشنهاد کرده اند که در صورت همبستگی بیشتر از ۸۰ در صد ، احتمال وجود مشکل هم خطی وجود دارد (آبوریا ، ۲۰۱۲ : ۳۰۲) در خصوص بررسی این موضوع به گجراتی (۲۰۰۳) نیز رجوع شود.

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود شاخص تمرکز مالکیت در سطح اطمینان ۹۵٪ و ۹۰٪ با بازدهی دارائی و بازدهی سرمایه ارتباط معنی دار دارد .

خلاصه نتایج آزمونهای فرضیه های تحقیق در خصوص ارتباط بین شاخص های حاکمیت شرکتی و بازدهی دارائیه و سرمایه به شرح جدول شماره ۳ می باشد.

جدول شماره ۳ - خلاصه ای از نتایج آزمونهای فرضیه های تحقیق

ردیف	موضوع فرضیه	نتایج آزمون
۱	ارتباط شاخص بازدهی داراییها (شاخص سود آوری) و شاخص های حاکمیت شرکتی	ارتباط معنی داری با شاخص های نفوذ مدیر عامل ، سهام داران نهادی و تعداد اعضای هیأت مدیره وجود دارد
۲	ارتباط شاخص بازدهی سرمایه و شاخص های حاکمیت شرکتی (شاخص سود آوری)	ارتباط معنی داری با شاخص های تعداد مدیران مؤسسه حسابرسی بانک ها ، نفوذ مدیر عامل ، تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل وجود دارد

نتیجه گیری ، تحلیل و پیشنهادات کاربردی:

شاخص های حاکمیت شرکتی و بازدهی دارایی

نتایج این فرضیه نشان داد که در سطح بانکهای تجاری شاخص های نفوذ مدیر عامل ، سهام داران نهادی و تعداد اعضای هیأت مدیره با شاخص بازدهی دارایی ها دارای رابطه معنی دار هستند . در عین حال از این شاخص های حاکمیت شرکتی تنها شاخص مالکیت نهادی دارای رابطه منفی است و دو شاخص دیگر رابطه مثبت را نشان می دهند . با توجه به این که شواهد بیشتر در سطح بانکهای دولتی و غیر دولتی نیز وجود رابطه منفی معنی دار میان شاخص مالکیت نهادی و بازدهی دارایی ها را نشان می دهد ، می توان استنباط نمود که مالکیت نهادی در سطح بانکهای تجاری منجر به بهبود وضعیت سود آوری (بازدهی دارایی های بانکها) نشده است . این موضوع بر خلاف ویژگی نهاد گرایی در بنگاه های اقتصادی است که طبق آن مالکان نهادی به عنوان یک ساز و کار کنترلی خارجی مهم و مؤثر بر حاکمیت شرکتی در دنیا تلقی می شود . در عین حال این موضوع که در بانکهای دولتی مالکان نهادی در حقیقت دولت و نهاد های دولتی محسوب می شوند و در نتیجه نظارت مؤثر در کسب سود آوری بانکها را ندارند مورد انتظار بوده است . مطالعات پیشین (آلن و دیگران ، ۲۰۱۴) نیز مورد تأیید قرار می دهد که ساختار مالکیت بر احتمال ناکامی بانکهای تجاری مؤثر است . به بیان دیگر همسویی مدیران و مالکان احتمال ناکامی و کاهش سود آوری و اعطای وام های ناکارآمد را افزایش می دهد. شدت رابطه

منفی در بانکهای دولتی با ضریب (۰/۰۷۴) بیش از بانکهای خصوصی (با ضریب ۰/۵-) است، اما در عین حال قضاوت در خصوص معنی داری اختلاف این نتایج نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

همچنین سایر شواهد نشان می‌دهد که تعداد اعضای هیأت مدیره و نفوذ مدیر عامل بر بازدهی دارایی‌های بانکها دارای اثر مثبت معنی داری هستند. در واقع وجود ارتباط مثبت میان تعداد اعضای هیأت مدیره و بازدهی در سطح بانکهای تجاری مطابق با انتظارات است و شواهد دیگر نیز وجود این ارتباط را تأیید کرده است. به عنوان نمونه گراسا و متوسی (۲۰۱۴) نشان دادند که اعضای هیأت و مدیره ویژگیهای مدیران در کشور های حوزه خلیج فارس و کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا از جمله ارکان حاکمیت شرکتی قابل توجه در نظر گرفته می‌شوند. در واقع تعداد اعضای هیأت مدیره این فرضیه را تقویت می‌کند که هیأت مدیره سطح نظارت بر مدیریت ارشد بانک را افزایش می‌دهد و در نتیجه نقش حاکمیتی خود را افزایش می‌دهد. این موضوع سازگار با توصیه‌های OECD در راستای انتخاب مدیران ذیصلاح در مدیریت عالی بانکها است.

تجزیه و تحلیل بیشتر در سطح بانکهای غیر دولتی نشان می‌دهد که متغیر قدمت مؤسسه حسابرسی بانک دارای رابطه مثبت معنی دار با بازده دارایی‌ها است. این یافته‌ها در سطح بانکهای دولتی گزارش نشده است هر چند در سطح بانکهای دولتی حسابرسی اکثریت این بانکها را سازمان حسابرسی بر عهده داشته است، در عین حال وجود این رابطه می‌تواند بر نقش اعتبار موسسات حسابرسی در افزایش کیفیت فرایند نظارت بر نظام گزارشگری مالی این بانکها تأکید نماید. هر چند عدم معنی داری سایر شاخص‌های سنجش کیفیت حسابرسی، نتایج بدست آمده از حیث کیفیت حسابرسی را مورد تأکید قرار نمی‌دهد. در خصوص نفوذ مدیر عامل، این نتایج مؤید نقش اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره و در سطح ریاست این هیأت نیست.

شاخص‌های حاکمیت شرکتی و بازدهی سرمایه

نتایج اولیه در سطح بانکهای تجاری نشان می‌دهد شاخص‌های نفوذ مدیر عامل، تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره دارای رابطه معنی داری با بازدهی سرمایه بوده‌اند. ارتباط میان تمرکز مدیریت و شاخص بازده سرمایه مثبت است (ضریب ۰/۱۹) و این مطلب نشان می‌دهد با افزایش درجه تمرکز شاخص بازدهی نیز افزایش می‌یابد. در مطالعه مشابهی تقوی و دیگران (۱۳۹۲) شواهدی را گزارش کردند که طبق آن تمرکز مالکیت بر حسب نوع مالکیت دولتی و خصوصی به ترتیب دارای آثار منفی و مثبت بر سودآوری بانکها بوده است. بر آینه نتایج بدست آمده در این مطالعه حکایت از وجود رابطه مثبت معنی دار میان این دو شاخص بوده است. هر چند این شواهد مطابق با نتایج بدست آمده در بخش قبل (یعنی رابطه شاخص بازدهی و مالکیت نهادی) نیست، اما در عین حال نشان می‌دهد که با افزایش تمرکز مالکیت نسبت بازدهی سرمایه افزایش می‌یابد. بررسی بیشتر بر حسب نوع مالکیت بانک نتایج مطالعه تقوی و دیگران (۱۳۹۲) را تأیید می‌کند. در اینجا شواهد جدیدی مبنی بر رابطه منفی معنی دار میان دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و شاخص بازدهی سرمایه گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد که تفکیک وظایف مدیر عامل و رییس هیأت مدیره موجب بهبود وضعیت سودآوری بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. این یافته‌ها مطابق با نگرش عدم

تمرکز قدرت به عنوان ابزاری اثر بخش در افزایش نظارت هیأت مدیره است که موجب شفافیت بیشتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود (آل بحرینی و گرکو ، ۲۰۱۳). یعقوبی و اقبال (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که در شرکتهای بزرگ پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران رابطه منفی معنی داری میان این دو متغیر وجود دارد. این موضوع مطابق با نظریه های نمایندگی است که بر طبق آن تفکیک و وظیفه مدیر عامل و رییس هیأت مدیره نظارت مؤثر توسط هیأت مدیره را بهبود می بخشد .

یعقوبی ، مهدی و مریم اقبال (۱۳۹۲). " بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت : آزمون مجدد تئوری نمایندگی در شرکتهای فعال در بازار بورس اوراق بهادر تهران " ، دوازدهمین همایش ملی حسابداری ایران ، مشهد. نتایج مشابهی نیز در خصوص وجود ارتباط مثبت معنی دار میان نفوذ مدیر عامل و بازدهی دارایی ها گزارش شده است که مؤید نقش اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره و در سطح ریاست این هیأت نیست . این شواهد در سطح بانکهای دولتی تأیید شده است و به نوعی نشان می دهد که اثر نفوذ مدیر عامل در بانکهای دولتی بیش از سایر بانکها بوده است . همچنین شواهدی مشابه در خصوص ارتباط منفی میان متغیر مالکیت نهادی و شاخص بازدهی سرمایه در سطح بانکهای دولتی گزارش شده است و مطابق با نتایج بدست آمده در فرضیه قبلی است . این موضوع در مطالعات گذشته نیز مورد تأکید قرار گرفته است . آلن و دیگران (۲۰۱۴) نشان دادند که ساختار مالکیت بر احتمال ناکامی بانکهای تجاری موثر است . همانند مطالعه گراسا و متوسی در اینجا نیز شواهدی مبنی بر ارتباط مثبت میان تعداد اعضای هیأت مدیره و بازدهی سرمایه بانکهای غیر دولتی گزارش شده است . در اینجا در سطح بانکهای دولتی شواهد جدیدی نیز گزارش شده که نشان می دهد دو متغیر سنجش کیفیت حسابرسی (تعدد مدیران و رتبه مؤسسه حسابرسی) دارای رابطه مثبت معنی دار با بازده سرمایه هستند . این شواهد می تواند بر نقش اعتبار مؤسسات حسابرسی در افزایش کیفیت فراینده نظارت بر نظام گزارشگری مالی این بانکها تأکید نماید.

در این مطالعه شواهدی دال بر کارآمدی برخی شاخص های حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر شاخص های سودآوری سرمایه گذاری در بانکهای تجاری گزارش شد. به دست اندر کاران صنعت بانکداری و افراد ذینفع پیشنهاد می شود با توجه به نتایج این تحقیق:

الف- احتمال تأثیر ساختار های مالکیت بانکی بر ناکامی و ناکارآمدی در نظام بانکی را در تصمیم گیریهای خود لحاظ نمایند.

ب- نظر به اهمیت تأثیر تعداد اعضای هیأت مدیره در بازدهی بانکها ، بر کارآمدی نظارت بر مدیریت ارشد بانک در راستای انتخاب مدیران ذیصلاح واقف باشند.

ج- نظر به وجود شواهدی مبنی بر تأثیر شاخص های کیفیت حسابرسی بر سلامت مالی، این موضوع را در تصمیم گیری های خود لحاظ کنند . جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان نهاد متولی این موضوع و همچنین سازمان بورس اوراق بهادر به عنوان متولی نظارت بر بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می توانند در کانون این توجه قرار گیرند..

د-نظر به وجود شواهدی مبنی بر تأثیر تفکیک وظایف مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره بر بهبود سود آوری بانکها ، عدم تمرکز قدرت به عنوان ابزاری اثر بخش در افزایش نظارت هیأت مدیره به منظور افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی پیشنهاد می شود.

ه- با توجه به این که کاهش تمرکز مالکیت و مالکان نهادی ، مدیران بانکها را به کاهش سطح کفایت سرمایه به احتمال زیاد وادار می کند (طبق این مطالعه)، در نظر گرفتن این موضوع در ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکها، به نهاد های متولی چون بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می شود .

فهرست منابع

- * امیری ، عباس (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین ریسک اعتباری با سود آوری و نقدینگی در بانکهای عضو بورس اوراق بهادار با تأکید بر نقش تعدیلی نظام راهبری شرکتی " ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت مدرس
- * حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی ، مفاهیم و موضوعات بنیادین ، تازه های اقتصاد ، سال ۸ ، شماره ۱۲۸،رسول خوانساری ، ص ۱۰۲-۱۱۰
- * ؛ تازه های اقتصاد ، سال نهم ، شماره ۱۳۳ ، علی حسن زاده ، آرش محمد علیزاده ، ص ۷۴-۸۸
- * ارائه مدل سنجش و ارزیابی مالی در شرایط محیطی ایران ، محمدرضا پورعلی ، دانش سرمایه گذاری ، سال دوم، شماره پنجم ، بهار ۱۳۹۲ ، ص ۲۰۶-۱۷۹
- * نیکومرام، هاشم ،پورزمانی (۱۳۸۵) ، حاکمیت شرکتی و پیش بینی ورشکستگی شرکتها ، رساله دکتری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- * هادی حیدری ، سوده صابریان رنجبر ، فرهاد نیلی ، فصلنامه پول و اقتصاد ، شماره ۸ ، تابستان ۱۳۹۰ ، صص ۴۳-۸۶
- * حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت مالی با نگاهی به صنعت مالی و بانکی کشور ، انتشارات گپ ، دکتر علی حسن زاده ، دکتر محمد ابراهیم پورزندی و علی حلمی.
- * راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران ، مدیریت کل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری ، اداره مطالعات و مقررات بانکی ، ترجمه و تدوین محمد روشندل ، آذر ماه ۱۳۸۶ ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- * رهنمای رودپشتی ، فریدون و صالحی ، اله کرم (۱۳۸۹) ، مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری ، چاپ اول ، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- * کثیری ف غلامرضا ، و محبوبه یزدانی (۱۳۹۲) "بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و عملکرد بانکها و مؤسسات مالی در بورس اوراق بهادار تهران " ، نخستین کنفرانس ملی و توسعه مدیریت پولی و بانکی.

- * لاون، لاک (۱۳۸۷). "حاکمیت بانکها"، مترجم، پرویز، عقیلی کرمانی، تازه های اقتصاد (شماره ۱۲۱) صص ۳۳-۳۵
- * مجتهد، احمد (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی یک نگرش جدید بر فعالیت بانکها و موسسات اعتباری" تازه های اقتصاد، ۱۲۲، صص ۵۶-۵۷
- * مدل سازی معادلات ساختاری، مؤمنی، منصور، دشتی، مجتبی، بایرام زاده، سونا و ندا سلطان محمدی، انتشارات مؤلف، تهران (۱۳۹۲)
- * Abu-taanjeh, A.M. 2009; "Gorporate governance from the Islamic perspective A comporative analysis with OECD princiles ", critical perspectives on Acconnting ,20, pp.556-567.
- * Lewis, M. (2005). Islamic Gorporate governance ; Review of Islamic Economics ;9(1) ,pp.5-29
- * Allen ,F . x .Gu, o. kowalewski (2011). "Gorporate governance and intra-group transaction s in European bank holding companies during the crisis " Working paper p.1-69
- * Talip , M., R., Hassan ,A. Yusoff (2010) "R iability of Islamic Banking and Finance in South Africa :alook at the Legal Framework and Governance" IIUM law journal . vol.18, no .2, pp.238-260
- * Po dviezko , A and R .Gineviccius (2010). 'Economic Criteria Charactrising Bank Soundess and stability ' , '6th International Scientific conference'
- * Iannidis ,C, F.Pa siouras , C Zapounidis , (2009). Assessing bank soundess with classification techniques ' , working Paper , university of Bath.
- * Ghosh , S (from Indian Banking Sector' , MPRA working paper. 2010). 'Credit Growth, Bank Soundness and Financial Fragility : Evidence
- * Grassa , R. , Matoussi , H .(2014). ' Corporate Governance of Islamic Banks. A comparative study between GCC and Southeast Asia Countries' , International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management , 7(3), pp.346-362.
- * Cihak , M. nd H. Hesse (2010) ' Islamic Banks and Financial stability : An Empirical Analysis' , Journal of Financial services Research , 38 (2-3) , p.95-113.
- * Allen ; B ; Bjorn ,I, and R., Christian (2014). "The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis " , working paper , ssm. Com.
- * Allen ; B ; Bjorn ,I, and R., Christian (2014). "The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis " , working paper , ssm. Com.
- * Spong , k., and R.sullivan (2007) ." corporate governance and band performance " . Working paper , ssm.com
- * Lai kai lin , k ., and M.konishi (2014). " Bank governance and band capital " , 27th Australasian finance and banking conference, working paper.
- * Karim , s., k ., howell , and M.,atul (2012) ." on bank governance in developing countries : assessment of Egypt " , interdisciplinary journal of economics and business law , 1(3) , pp.
- * Tripe, D.(2010) ." using DEA to investigate bank safety and soundness – which approach works best? " , journal of financial economic policy , 2(3) , pp. 237 . 250.
- * Qian , M ., and B., yeung (2014) ." bank financing and corporate governance " , journal of corporate finance , in press.
- * H sieh , M., chen , p ., Lee , C ., Yang (2013) ." How dees diversification impact bank stability ? the role of globalization , regulations , and governance environments , Asia-pasific journal of financial studies , 42(5) , pp . 813-844.
- * Ivanov , M., Roncevic A., and J., simuring (2013) ." corporate governance in creation banks " , the journal of American business review , 2(1) , pp . 289-297.

- * Shahid , M., and Z.abbas (2011) .” financial stability of Islamic banking in Pakistan : An empirical study “, African business management , 6(10) , pp . 3706-3714.
- * Chalermchatvichien , p.,Jumereornvong , S . , Jiraporn , p., and M. Singh(2011).”The effect of bank ownership concentration on capital adequacy,liquidity and capital stability”, Journal of Financial Services Research